

در دنیا بعد از جاده‌سازی در قطب جنوب، سخت‌ترین کار مقدمه‌نوشتن برای کتاب فارسی خیلی سبزه. چون قراره برای کتابی مقدمه بنویسی که مؤلفانش همه این‌کاره‌اند. اونم نه یکی و دو تا بلکه پنج تا! یعنی پنج جفت چشم کارشناس منتقد کاربدا!

(همین‌جا از این استادان بابت «ه» و «ه»هایی که به جای «است» گذاشتم و «ن»هایی که به جای تنوین نوشتم، عذر می‌خوام.)

البته این کلام حضرت اجل، سعدی علیه‌الرحمه باعث دلگرمیه که فرمود: «متکلم را تا کسی عیب نگیرد، سخنش صلاح نپذیرد.»

یه موضوع دیگه‌ای هم هست که دلم می‌خواد بگم و اون اینکه که چه‌قدر خوبه که فارسی جزء درسای کنکوره. به نظر من فارسی لذیذترین درس کنکوره. چه حالی از این بهتر که هم شعر بخونی و هم تست بزنی! فکرش رو بکن؛ داری تست می‌زنی و یکی از گزینه‌هاش این باشه:

«پیر پیمان‌کش ما که روانش خوش باد      گفت پرهیز کن از صحبت پیمان‌شکنان»

یا این یکی:

«دیدۀ سیر و دل بی‌مدعا داریم ما      آن‌چه می‌باید، درین مهمانسرا داریم ما ...»

و این:

«در مقامی که سخن از هنر و عیب کنند      عیب خود فاش نمودن هنر مردان است»

واقعن خوشا به سعادتتون. قدر درس فارسی تون رو بدونید.

حرف آخر این که بی‌تکلف، دم تیم منسجم، هماهنگ و همدل ادبیتامون گرم. مطمئنم که بهترین کتاب فارسی کنکور رو نوشتید.

دکتر بقائی عزیز، دست مریزاد.

آقایان غلامی، محی‌الدین، دهقانی و افضل‌ی سپاس بی‌کران از شما.

خانم مینا سعیدی ملک خسته نباشی؛ تلاش شما ستودنیه.

و اما هدی ملک‌پور صبورترین، مهربون‌ترین و در عین حال یکی از پی‌گیرترین مسئول پروژه‌های دنیا. مگه می‌شه ازش تشکر نکرد. هدی ملک‌پور، مرسی.

از همکاری پرتلاش و وظیفه‌شناسمون در واحد تولید که در کار خودشون استادان و خیالمون رو از بابت تولید خیلی راحت کردن، سپاسگزارم.

از ویراستاران دقیق و خوبمون هم خیلی خیلی ممنونم.

امیدوارم باخواندن این کتاب حال خودتون و فارسی تون بهتر بشه.

یک نکته در مورد این کتاب:

کتاب «فارسی جامع - جلد اول و دوم» خیلی سبز، از نظر تست، پاسخ تشریحی و درس‌نامه‌های درس‌به‌درس مربوط به کتاب‌های فارسی دهم تا دوازدهم، عیناً مجموع دو کتاب «فارسی پایه» و «فارسی دوازدهم» خیلی سبز است. فقط در جلد دوم کتاب «فارسی جامع»، کادریهای آموزشی موضوعی تحت عنوان «خرت و پرت کنکوری» داریم که این کادرها در کتاب‌های «فارسی پایه» و «فارسی دوازدهم» نیست. خلاصه کلام، حواستان باشد کتاب تکراری تهیه نکنید؛ موفق باشید و شاد.

# تقدیم بانهایت اخلاص به:

## معانی که شمع وجودشان روشنگر راه آینده سازان میهن است.

### مقدمه گروه ادبیات

#### «هوا المحبوب»

گاهی می‌اندیشیم که این «عشق» چیست که در طول قرون و اعصار، شاعران و نویسندگان این‌قدر درباره آن گفته و نوشته‌اند! یک دوره‌ای به این فکر کردم که «عشق الهی» چیست و وقتی می‌گویند مثلاً در شعر فلان شاعر، منظور از معشوق خداست یعنی چی؟! به هر حال فهمیدم که «عشق» باید یک چیز باارزشی باشد که با خدا در ارتباط است. همین‌طور با این موضوع سروکله می‌زدم که یکهو می‌شنیدم یکی به دیگری می‌گوید: خیلی عشق کردم دیشب «بارسا»، «رنال» را برد! یا یکی دیگر در جایی در واکنش به بازی خوب یک هنرپیشه می‌گوید: من عاشق فلانی‌ام یا فلانی عشق منه؟! نمی‌دانستم حالا این تعابیر را به قول معروف، کجای دلم بگذارم! آخر در داستان‌هایی مثل لیلی و مجنون شنیده بودم که آدم‌ها برای عشق از سر جان برمی‌خیزند. به یک مثلث رسیدم:



فهمیدم یک جای کار اشکال دارد. این سه رأس مثلث خیلی با هم فرق دارند. به «عشق به خدا» عاقل نمی‌رسید؛ عشق به لیلی معادل جان‌باختن بود؛ اما این سومی یک عدم تعادل درش بود. می‌دیدم یک نفر واحد در طول مثلاً یک فصل، خطاب به چندین هنرپیشه و فوتبالیست و برنامه‌تلویزیونی و ... این جمله را می‌گوید. همان آدمی که می‌گفت من عاشق «خندوانه» یا «رامبد جوان» هستم با یک دوره تنفس (!) سه‌ماهه می‌گوید من عاشق «دوره‌می» و «مهران مدیری»‌ام. مگر می‌شود؟! این کلمه، خیلی بار معنایی سنگینی دارد. «بایزید بسطامی»، «ها»، «حلاج»، «عطار»، «سنایی»، «مولوی» و ... عشق به خدا دارند؛ «مجنون»، «فرهاد»، «خسرو»، «رامین» و ... عشق به یک آدم دارند که در این عشق ثابت‌قدم و پایرجا هستند؛ اما این سومی، خیلی اذیت‌م می‌کرد. هر بار که می‌شنیدم، می‌خواستم واکنش نشان بدهم. دیدم نمی‌شود. باید یک کاریش بکنم. مگر می‌شود این سه‌تا، یک چیز باشند؟ شروع کردم به گشتن و گشتن تا رسیدم به «کویر» دکتر علی شریعتی! وای، چه دنیایی بود دنیای دوست! دکتر شریعتی دست مرا گرفت و با خود به دنیایی برد که در آن، گوهر «دوست» یافت می‌شد. او بین دوست‌داشتن و عشق، اولی را انتخاب کرده بود، آگاهانه؛ و دوستش می‌داشت. در آن، صداقت و استواری و یکرنگی می‌دید. او به من آموخت:

#### «دوست‌داشتن از عشق برتر است.»

- عشق یک جوشش کور است و پیوندی از سر نابینایی؛ اما دوست‌داشتن پیوندی خودآگاه و از روی بصیرت، روشن و زلال!
- عشق بیشتر از غریزه آب می‌خورد و هر چه از غریزه سرزند بی‌ارزش است و دوست‌داشتن از روح طلوع می‌کند و تا هر جا که یک روح ارتفاع دارد، دوست‌داشتن نیز همگام با آن اوج می‌یابد.
- عشق در غالب دل‌ها در شکل‌ها و رنگ‌های تقریباً مشابهی متجلی می‌شود و دارای صفات و حالات و مظاهر مشترکی است؛ اما دوست‌داشتن در هر روحی جلوه‌ای خاص خویش دارد و از روح رنگ می‌گیرد و چون روح‌ها برخلاف غریزه‌ها، هر کدام رنگی و ارتفاعی و بعدی و طعم و عطری ویژه خویش دارد، می‌توان گفت که به شماره هر روحی، دوست‌داشتنی هست.
- عشق با شناسنامه بی‌ارتباط نیست و گذر فصل‌ها و عبور سال‌ها بر آن اثر می‌گذارد؛ اما دوست‌داشتن در ورای سن و زمان و مزاج زندگی می‌کند و بر آشیانه بلندش روز و روزگار را دستی نیست.
- عشق، طوفانی و متلاطم و بوقلمون‌صفت است؛ اما دوست‌داشتن، آرام و استوار و پروقار و سرشار از نجابت.
- عشق جوششی یک‌جانبه است. به معشوق نمی‌اندیشد که کیست! یک «خودجوشی ذاتی» است و از این رو همیشه اشتباه می‌کند و در انتخاب به‌سختی می‌لغزد یا همواره یک‌جانبه می‌ماند؛ و گاه میان دو بیگانه ناهمانند، عشق جرقه می‌زند و چون در تاریکی است و یکدیگر را نمی‌بینند، پس از انفجار این صاعقه است که در پرتو روشنایی آن، چهره یکدیگر را می‌توانند دید ...! اما دوست‌داشتن در روشنایی ریشه می‌بندد و در زیر نور سبز می‌شود و رشد می‌کند.

- ❁ عشق، جنون است و جنون چیزی جز خرابی و پریشانی «فهمیدن» و «اندیشیدن» نیست؛ اما دوست داشتن، در اوج معراجش از سرحد عقل فراتر می‌رود و فهمیدن و اندیشیدن را نیز از زمین می‌کند و با خود به قلّه بلند اشراق<sup>۱</sup> می‌برد.
- ❁ عشق زیبایی‌های دل‌خواه را در «معشوق» می‌آفریند و دوست داشتن زیبایی‌های دل‌خواه را در «دوست» می‌بیند و می‌یابد.
- ❁ عشق یک فریب بزرگ و قوی است و دوست داشتن یک صداقت راستین و صمیمی، بی‌انتهای و مطلق.
- ❁ عشق در دریا غرق شدن است و دوست داشتن در دریا شنا کردن.
- ❁ عشق بینایی را می‌گیرد و دوست داشتن می‌دهد.
- ❁ عشق خشن است و شدید و در عین حال ناپایدار و نامطمئن؛ و دوست داشتن لطیف است و نرم و در عین حال پایدار و سرشار اطمینان.
- ❁ عشق همواره با شک آلوده است و دوست داشتن سراپا یقین است و شک‌ناپذیر.
- ❁ از عشق هر چه بیشتر می‌نوشیم سیراب‌تر می‌شویم و از دوست داشتن هر چه بیشتر، تشنه‌تر.
- ❁ عشق هر چه می‌پاید کهنه‌تر می‌شود و دوست داشتن نوتر.
- ❁ عشق تملک معشوق است و دوست داشتن، تشنگی محو شدن در دوست.
- ❁ عشق معشوق را مجهول و گمنام می‌خواهد تا در انحصار او بماند...؛ اما دوست داشتن دوست را محبوب و عزیز می‌خواهد.
- ❁ در عشق رقیب منفور است و در دوست داشتن است که «هواداران کویش را چو جان خویشان دارند».
- ❁ عشق اسارت در دام غریزه است و دوست داشتن آزادی از جبر مزاج.
- ❁ عشق مأمور تن است و دوست داشتن پیغمبر روح.
- ❁ عشق لذت‌جستن است و دوست داشتن پناه‌جستن.
- ❁ عشق غذا خوردن یک گرسنه است و دوست داشتن «هم‌زبانی در سرزمین بیگانه یافتن» است ...



و آدم دلش می‌خواهد تا ابد در این دنیای دوست داشتن قدم بزند و از دوستی بشنود ...  
شما هم می‌توانید ادامه این مطلب را در کتاب «کویر» دکتر شریعتی بخوانید و لذت ببرید.

## سازگاری

برای سال تحصیلی جدید، ما کتاب را برایتان بازنویسی کرده‌ایم؛ هم سؤالات را بازنویسی، تکمیل و اصلاح نموده‌ایم، هم درس‌نامه‌ها و پاسخ‌نامه‌های تشریحی را غنی‌تر ساخته‌ایم، هم کادرهای آموزشی موضوعی به کتاب افزوده‌ایم.

از تمام دوستان خوبمان در خیلی‌سبز ممنونیم که به بار نشستن این کتاب نتیجه تلاش همه آن‌هاست. همکاران خوب مؤلف، تمام توان خود را در طبق اخلاص گذاشتند؛ و بر استاران تیزبین که ریزترین ایرادها را می‌دیدند و تذکر می‌دادند؛ سرکار خانم مینا سعیدی ملک که دلسوزانه در تمام مراحل تألیف، یار و یاورمان بودند. دکتر سیاوش خوشدل عزیز که با سرعت و دقتی مثال‌زدنی، ویرایش نهایی کتاب را عهده‌دار شدند. همکار دانشور و مؤلف توانمند، جناب آقای ابوالفضل قاضی که با روی باز، بخشی از کتاب را خواندند و با نظرات صائب خود، سطح کتاب را ارتقا بخشیدند. جناب آقای اسمعیل محمدزاده که همچون همیشه، حق دوستی را تمام و کمال ادا نمودند؛ استاد، «کَمَتْ گرم و سرت خوش باد»! مدیر تألیف توانمند، دوست دیرین، جناب مهندس رضا سبزمیدانی و مدیران بی‌بدیل سازمان، برادران دکتر نصری که مدیون حمایت‌های بی‌شائبه‌شان هستیم. عزیزان واحد تولید که کارشان طاقت‌فرساست و در خط مقدم می‌جنگند و دیگر دوستانمان در جای‌جای سازمان انتشارات خیلی‌سبز، خصوصاً دو جوانمرد خطه سرسبز گیلان، جناب آقای حامد دوستی باغبانانی و جناب آقای میثم قربانی قصابعلیسرایبی که در تمام این سال‌ها بار انواع زحمات خرد و درشت ما را بر دوش کشیدند. یک تشکر ویژه هم از دوستانی که خطاهای ما را گوشزد کردند: عرشیا خامسی، زهرا رئوفی نیک، ریحانه صالحی، صدرا نظام‌الدین، علی اشکانی کیسمی، محمدرضا نورقدمی، زهرا آبنیکی، مرضیه حریری، مبینا متقیان، هلیا مردانی، مبینا سلیمانی و شادی سلطانی.

و در پایان **هدی ملک‌پور**، بانوی نیک‌نهاد نیک‌اندیش نیک‌رفتار نیک‌گفتار که سایه مهرش همواره بر کتاب‌های ادبیات افتاده است!

الهی تمام این دُرَدانه‌ها را در صدف حمایت خود، دور از مصائب روزگار بدار. آمین

گروه ادبیات انتشارات خیلی سبز

کوروش تقائی راوری

فارسی دوازدهم

درس	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
سائیش	۳۲۱
کیم	۳۲۶
دوم	۳۴۰
سوم	۳۵۱
پنجم	۳۶۰
ششم	۳۶۹
هفتم	۳۸۱
هشتم	۳۹۳
نهم	۴۰۵
دهم	۴۱۷
یازدهم	۴۲۵
دوازدهم	۴۳۲
سیزدهم	۴۴۳
چهاردهم	۴۵۱
شانزدهم	۴۶۴
هفدهم	۴۷۷
هجدهم	۴۸۳
نیايش	۴۹۰

فارسی یازدهم

درس	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
سائيش	۱۶۳
کیم	۱۶۸
دوم	۱۷۸
سوم	۱۸۹
پنجم	۱۹۷
ششم	۲۰۵
هفتم	۲۱۵
هشتم	۲۲۷
نهم	۲۳۸
دهم	۲۴۹
یازدهم	۲۵۶
دوازدهم	۲۶۳
چهاردهم	۲۷۴
پانزدهم	۲۸۲
شانزدهم	۲۹۲
هفدهم	۳۰۱
هجدهم	۳۰۹
نیايش	۳۱۶

فارسی دهم

درس	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
سائيش	۱۲
کیم	۱۷
دوم	۲۷
سوم	۳۶
پنجم	۴۵
ششم	۵۳
هفتم	۶۲
هشتم	۷۳
نهم	۸۱
دهم	۸۹
یازدهم	۹۶
دوازدهم	۱۰۳
سیزدهم	۱۱۲
چهاردهم	۱۲۲
شانزدهم	۱۳۲
هفدهم	۱۴۳
هجدهم	۱۴۹
نیايش	۱۵۷

# درس نهم

## در روی عاشقان

### تعلیم و اطلاع

۱۸۹۷- عبارت زیر، معنای کدام واژه نیست؟

«آن که مراحل سیر و سلوک را پشت سر گذاشته و سالکان را هدایت و راهنمایی می‌کند.»

- (۱) مراد (۲) پیر (۳) مرید (۴) مرشد

۱۸۹۸- معنای صحیح واژه‌های «زهد - عازم - شبگرد - مَلک» به ترتیب در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- (۱) پنددادن - رهسپار - شبرو - شاه  
(۲) پارسایی - راهی - شبرو - فرشته  
(۳) اندرز - روانه - دزد - سلطان  
(۴) پرهیزگاری - رهسپار - گدا - فرشته

۱۸۹۹- معنای ارائه‌شده برای کدام دو واژه، کاملاً صحیح است؟

- (الف) مناسک: آیین‌های مذهبی، اعمال عبادی  
(ج) رضوان: بهشت، نام فرشته‌ای که نگهبان بهشت است.  
(۱) الف - ج (۲) ب - د (۳) ب - ج (۴) الف - د

۱۹۰۰- معنای چند واژه نادرست است؟

(تشبیح: همراهی کردن جنازه تا گورستان) - (شریعت: آیین) - (محضر: بارگاه خداوندی) - (مرشد: مقابل سالک) - (متفق: همسو و موافق) - (کبریا: افلاک) - (صنم: بت) - (قَدَس اللّهُ رُوْحَهُ العَزِيز: پاک و منزه است خداوند عزیز)

- (۱) چهار (۲) یک (۳) دو (۴) سه

۱۹۰۱- در کدام عبارت، غلط املایی دیده نمی‌شود؟

- (۱) هنگامی که بهاء‌ولد، مناسک حج را به پایان برد، در بازگشت، به طرف شام روانه گردید و مدتی در آن نواهی به سر برد.  
(۲) جلال‌الدین، روزها به شغل تدریس می‌گذرانید و مردم روزگار بر تقوا و دهد او متفق بودند.  
(۳) مولانا در دمشق، پیوسته به افغان و زاری و بی‌قراری، شمس را از هر کوی و برزن جست‌وجو می‌کرد.  
(۴) یاران مولانا هم که پژمرده‌گی و دل‌تنگی او را در غیبت شمس دیده بودند، از کردار خود پشیمان شدند و مولانا عذرشان را پذیرفت.

۱۹۰۲- در متن زیر، املائی چند کلمه نادرست است؟

«محمدبن حسین خطیبی، معروف به «بهاء‌الدین» به سبب هراس از بی‌رحمی و کشتار مغول و رنجش از خوارزم‌شاه ناچار از بلخ مهاجرت کرد. آوازهٔ تقوا و فضل و تأثیر بهاء‌ولد همه‌جا را فراگرفت. مولانا به اصرار مریدان، مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت. مدتی در شهر حَلَب به تحصیل علوم پرداخت. در قونیه، طالبان علوم شریعت در محضر او حاضر می‌شدند. چون یاران مولانا به آزار شمس برخاستند، وی عزم کرد که دیگر بدان شهر پُرغوقاً باز نیاید. حسام‌الدین از مولانا خاست کتابی به طرز «الهی‌نامه» یا «منطق‌الطیر» به نظم آرد. ناسزای خصمان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد. اهل قونیه، از خورد و بزرگ، در تشبیح پیکر مولانا حاضر شدند.»

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۱۹۰۳- در بیت «عشق غالب شد و از گوشه‌نشینان سلاح / نام مستوری و ناموس کرامت برخواست»، املائی ..... واژه، غلط است.

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۹۰۴- همهٔ ابیات، به‌استثنای بیت گزینهٔ ..... فاقد غلط املایی‌اند.

- (۱) آمد موج آسست، کشتی قالب ببست  
(۲) با رخ تو خواهش حور و قصور  
(۳) صدرش چو باغ رضوان یا صُفَّة سلیمان  
(۴) ورق حُسن، محال است نگردد «صائب»  
باز چو کشتی شکست نوبت وصل و لقاست  
محض گناه است و قصور ای صنم  
کز منطق‌الطیورش الهان تازه بینی  
هیچ متبوع ندیدیم که تابع نشود

۱۹۰۵- در کدام گزینه نادرستی املائی وجود دارد؟

- (۱) عقوبت مکن عذرخواه آمدم  
 (۲) زلف طرّار تو می‌بندد زبان شانه را  
 (۳) تو را سهل باشد مرا ممتنع  
 (۴) راه خویش از غبار خالی کن

۱۹۰۶- در کدام گروه از کلمات، غلط املائی هست؟

- (۱) مقاماتِ عرفانی - علاءالدین کیقباد سلجوقی - مجالس وعظ و خطابه - دستار و عمامه  
 (۲) قهر و غضب - غوغا و هياهو - منظر و سيما - دریغ و افسوس  
 (۳) صلاح‌الدین و حُسام‌الدین - صلح‌طلبی و خیر مطلق - تلخیص و تصرف  
 (۴) مرثیه و تعزیه - سیر و سلوک - طغن و ملامت - مناسک حج

۱۹۰۷- در ابیات زیر، مجموعاً چند غلط املائی یافت می‌شود؟

- |  |   |
|--|---|
| (الف) غوغای عارفان و تمنای عاشقان          | حرص بهشت نیست که شوق لقای توست          |
| (ب) بر آستانه میخانه هر که یافت رهی        | ز فیض جام می اصرار خانقه دانست          |
| (ج) روزه یک سو شد و عید آمد و دل‌ها برخاست | می ز خُمخانه به جوش آمد و می باید خواست |
| (د) عجب داری از سالکان طریق                | که باشند در بهر معنی غریق               |
| (ه) عروس تبع را زیور ز فکر بکر می‌بندم     | بُود کز دست ایامم به دست افتد نگاری خوش |
- (۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) دو

۱۹۰۸- کدام عبارت فاقد غلط املائی است؟

- (۱) چون از مناسک حج فارغ شدیم، پدرم گفت: شیخ عبدالمملک طبری را زیارت کنیم که او از بزرگان مشایخ عصر بوده است و او را مقامات مشهور است.  
 (۲) شیر را دو شغال زیرک طبع نیکومحضر پسندیده‌منظر ندیم و انیس بود؛ هر دو به مزید غربت از دیگر خواص خدم، مرتبه تقدّم یافته و مُشیر و محرم اسرار مملکت گشته.  
 (۳) آن چشمه روضه رضا، آن نقطه کعبه رجا، آن ناطق حقایق، آن واعظ خلائق، خلقی عجب داشت و بسطی با قبضی آمیخته و رجایی غالب.  
 (۴) و ببايد شناخت ملک را که از کژم‌زاج هرگز راستی نیاید و بدسیرت مذموم‌طریفت را به تکلیف و تکلف بر اخلاقِ مرضی و راه صواب آشنا نتوان کرد.

۱۹۰۹- با توجه به ابیات و عبارت زیر، معنای چند واژه مشخص شده درست است؟

- (الف) بروید ای حریفان، بکشید یار ما را  
 (ب) هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست  
 (ج) طالبان علوم شریعت در محضر او حاضر شدند. (مجلس درس)  
 (د) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
- به من آورید آخِر، صنم گریزپا را (یاران و همدمان - معشوق زیبارو)  
 ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست؟ (سیر و تفرّج)

۱۹۱۰- در گزینه ..... معنای همه واژه‌ها صحیح است.

- (۱) دستار، طعن، خوش‌الحان ← پارچه‌ای که به دور سر بپیچند، سرزنش، خوش‌آواز  
 (۲) حُسام، مطلق، درنگ ← شمشیر بَران، بی قید و شرط، فوراً  
 (۳) افغان، ملامت، لقا ← ناله و زاری، نرمی، روی  
 (۴) سالک، دوش، گلشن ← رونده راه حق، دیروز، گلزار

۱۹۱۱- «حریف» در کدام بیت، معنایی متفاوت با سایر ابیات دارد؟

- (۱) ای خوشا دولت آن مست که در پای حریف  
 (۲) دل مَنه بر وفای صحبت او  
 (۳) سعدی نه حریف غم او بود ولیکن  
 (۴) نی حریف هر که از یاری بُرید
- سر و دستار نداند که کدام اندازد  
 کان چنان را حریف چون تو بسی است  
 با رستم دستان بزند هر که درافتاد  
 پرده‌هایش، پرده‌های ما درید

۱۹۱۲- در کدام عبارت غلط املائی دیده می‌شود؟

- (۱) تنی چند از روندگان متفق سیاحت بودند و شریک رنج و راحت. خواستم تا موافقت کنم موافقت نکردند. گفتم: از کرم و اخلاق بزرگان بدیع است روی از مصاحبت مسکینان تافتن و فایده دریغ‌داشتن ...  
 (۲) حاکم، این سخن عظیم پسندید و اسباب معاش یاران فرمود تا به قاعده ماضی مهتبا دارند. شکر نعمت بگزاردم و عذر جسارت بخاستم و در حال بیرون آمدم.  
 (۳) هزاران داستان حمد و ثنا از زبان مرغان بهارستان عشق و وفا که از منابر اغصان (شاخه‌های) فضل و احسان به حسن اصوات و طیب الحان، علی‌الدوام خوانند و به مسامع حاضران مجامع قدس و ناظران مناظر اُنس رسانند.  
 (۴) علما گویند: «مقام صاحب مروّت به دو موضع ستوده است: در خدمت پادشاه کامران مکرم، یا در میان زُهاد قانع محترم». کلیله گفت: ایزد تعالی خیر و خیرت و صلاح بدین عزیزت، مقرون گرداناد.



«مردن به علّت به که زندگانی به مدّلت. کوته‌نظران را بدین علّت زبان طعن دراز گردد. بر خردمند واجب است که به فضای آسمانی ایمان آرد و جانبِ حزم مَهمل نگذارد. درویشی، اصلِ بلاها و زایل‌کنندهٔ زور و حمیت و مجمع شرّ و آفت است. اگر نقضِ عهدهی کنم که بسته‌ام، وذر آن تا ابد در گردن من بماند. چکاوک نوای غریب نواخته و سفیر الحان هزارستان، هنگامهٔ لهو و طرب گرم کرده.»

(۱) حمیت - مدّلت - غریب (۲) نقض - قضا - زایل (۳) نگزارد - سفیر - وذر (۴) الحان - طرب - لهو

مژده ۱۹۱۴ - در متن زیر املاي کلمات کدام گزینه، همگی نادرست است؟

«... ملّک‌زاده دور زمان را به امن و امان قرین ساخت و خُرد و بزرگ را به فضل و رأفت نواخته، در تمامت ملّک پدر سیر و تفرّج نمود و هر جا چشم گشوده پرتو حسن در فضای بسیط تابان بود و مقامی دلگشای را طالب و خواهان تا به موضعی رسید؛ مقامی دلکش و نقض دید و فضایی خرم و سبز و این موضع محلّی بود از نواهی شرق در غایت نزهت و صفا که بر جانب جنوبش دو نهر عظیم جاری بود، و هر سو چشمهٔ خوشگواری و هر جا بیشه و مرغزاری که رشک چشمهٔ حیوان بود و جفت روضهٔ رضوان. آرزوی بنایی معظّم در دل وی خاست؛ پس عظیمت استوار کرد و عمارتی برقرار.»

(۱) نواهی - نقض - عظیمت (۲) عظیمت - خاست - نقض (۳) مرغزار - عمارت - خاست (۴) نواهی - رأفت - نقض

### قرابت‌مبانی

۱۹۱۵ - شاعر در همهٔ ابیات زیر، به جز ..... انسان را به «عروج» فرامی‌خواند. (تهری ۸)

(۱) از مه او مه شکافت، دیدن او برتافت  
(۲) خود ز فلک برتریم، وز ملک افزون‌تریم  
(۳) خلق چو مرغابیان زاده ز دریای جان  
(۴) هر نفس آواز عشق، می‌رسد از چپ و راست

۱۹۱۶ - عبارت «زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

(۱) نالییدن عاشقان دلسوز  
(۲) بر من گذر نکرد شی کاشتیاق تو  
(۳) دل درون سینه‌ام در آتش غم درگرفت  
(۴) تنم از واسطهٔ دوری دلبر بگداخت

۱۹۱۷ - مفهوم کدام بیت با عبارت «در این میان با بی‌توجهی به ملامت و هیاهوی مردم خود را با سرودن غزل‌های گرم و پر سوز و گداز عاشقانه سرگرم می‌کرد.» متناسب است؟

(۱) مکن به نامه‌سیاهی ملامت من مست  
(۲) بدان رو عشق می‌ورزم دگر فاش  
(۳) کنج عزلت بنشستم ز سخن لب بستم  
(۴) سر خود در قدم دشمن خود بگذارم

۱۹۱۸ - بیت «خود ز فلک برتریم وز ملک افزون‌تریم / زین دو چرا نگذریم منزل ما کبریاست» با کدام گزینه قرابت مفهومی دارد؟

(۱) بعد از هزار سال به بام زحل رسد  
(۲) چنین قفس نه سزای چو من خوش‌الحانی است  
(۳) باز برآورد عشق، سر به مثال نهنگ  
(۴) چون در شوی در باغ دل، مانند گل خوشبو شوی

۱۹۱۹ - کدام گزینه با بیت «بروید ای حریفان بکشید یار ما را / به من آوريد آخر صنم گریزپا را» ارتباط معنایی دارد؟

(۱) صنما جفا رها کن، کرم این روا ندارد  
(۲) گر نثار قدم یار گرمی نکنم  
(۳) آن که بی‌جرم برنجید و به تیغ زد و رفت  
(۴) سعدیا با یار عشق آسان بود

۱۹۲۰ - مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

(۱) یا رب آن آهوی مشکین به ختن بازرسان  
(۲) ماه و خورشید به منزل چو به امر تو رسند  
(۳) سخن این است که ما بی تو نخواهیم حیات  
(۴) آن که بودی وطنش دیدهٔ حافظ، یا رب

وان سهی سرو خرامان به چمن بازرسان  
یار مه‌روی مرا نیز به من بازرسان  
بشنو ای پیک، خبر گیر و سخن بازرسان  
به مرادش ز غریبی به وطن بازرسان

۱۹۲۱- بیت «رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن / ترک من خراب شبگرد مبتلا کن» با کدام گزینه تقابلی مفهومی دارد؟

- ۱) کنون در حال من بنگر که عاجز گشتم و مضطر
- ۲) ساقی قدحی زان می دوشینه به من ده
- ۳) به جز از شمع کسی بر سر بالینم نیست
- ۴) خواب در عهد تو در چشم من آید؟ هیهات!

- مرا مگذار و خود مگذر، درین تیمار دستم گیر
- باشد که مرا یک نفس از خود برهاند
- که بگرید ز سر سوز بر این حال تنه
- عاشقی کار سری نیست که بر بالین است

۱۹۲۲- مفهوم بیت «برای من مگرئ و مگو دریغ! دریغ! / به دام دیو درافتی، دریغ آن باشد» با مفهوم کدام بیت ارتباط دارد؟

- ۱) غم خود خور به روز شادمانی
- ۲) بی حسرت از جهان نرود هیچ کس به در
- ۳) بازی است عمر ما به جهان اندر ای پسر
- ۴) سنگ اگر در مرگ عاشق خون نمی‌گیرد چرا

- که دارد مرگ در پی زندگانی
- آلا شهید عشق به تیر از کمان دوست
- بر مرگ من مکن ز غم و درد بازوان
- بیستون از لاله نخل ماتم فرهاد بست؟

۱۹۲۳- عبارت «با همه علم و استادی خویش در این ایام که حدوداً سی و هشت ساله بود، خدمت شمس زانو زد و نوآموز گشت.» با همه

گزینه‌ها، به جز بیت ..... قرابت دارد.

- ۱) عشق تو منسوخ ساخت، دفتر علامگی
- ۲) گُتَب شویم چو کودک، تخته خویش
- ۳) حرف استادان عشق است این که در بازار عشق
- ۴) مکتب عشق تو هست، مسکن صد بوعلی

- بر ورق ما نوشت، حرف سیه‌نامگی
- مرا گر عشق تو استاد باشد
- چون تو شاگردی کنی ناگاه استادی شوی
- طفل سبق‌خوان (==) شاگرد) دراو «محتشم»، استاد فن

۱۹۲۴- عبارت زیر با کدام گزینه قرابت مفهومی دارد؟

- ۱) آب صاف و تیره «صائب» دشمن آینه است
- ۲) با درشتان تندخویی کن که ناهموار را
- ۳) درشتان را ملایم‌تینتی‌هایم خجل دارد
- ۴) گو تُرُش‌روی باش و تلخ‌سخن

- «طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد و به نرمی و حسن خلق آنان را به راه راست می‌آورد.»
- به که فارغ از خیال مهر و کین باشد کسی
- هم‌زبانی بهتر از سوهان ناهموار نیست
- زبان از نرم‌گویی سرنگون افکند دندان را
- زهر شیرین‌لبان شکر باشد

۱۹۲۵- مفهوم «ما به فلک بوده‌ایم یار ملک بوده‌ایم / باز همان‌جا رویم جمله که آن شهر ماست» با کدام بیت متناسب نیست؟ (هنر ۹۰)

- ۱) طایر گلشن قدسم چه دهم شرح فراق
- ۲) تو را ز کنگره عرش می‌زنند صغیر
- ۳) که ای بلندنظر شاهباز سدره‌نشین
- ۴) بزمگاهی دلنشین چون قصر فردوس برین

- که در این دامگه حادثه چون افتادم
- ندانم که در این دامگه چه افتاده است
- نشیم تو نه این کنج محنت‌آباد است
- گلشنی پیرامنش چون روضه دارالسلام

۱۹۲۶- مفهوم «ما به فلک بوده‌ایم یار ملک بوده‌ایم / باز همان‌جا رویم جمله که آن شهر ماست» با کدام بیت ارتباط دارد؟

- ۱) ز فتر طلعت تو هر شب آفتاب فلک
- ۲) تا قامت بلند تو در جلوه آمده است
- ۳) تو کدام شاهبازی که ندانم نشیم
- ۴) بگسل این دام هوس ای مرغ قدسی‌آشیان

- همی سجود کند طلعت منیر تو را
- مرغان قدس از سر طوبی پریده‌اند (طوبی: درختی در بهشت)
- چه کنم که مرغ فکرت نرسد به آشیان
- گر دو عالم بایدت در زیر شهر داشتن

۱۹۲۷- بیت «به روز مرگ چو تابوت من روان باشد / گمان مبر که مرا درد این جهان باشد» با کدام گزینه از نظر مفهوم تناسب دارد؟

- ۱) مرگ تلخ و زندگی هم سربه‌سر درد و غم است
- ۲) پس از مرگ آن کس نباید گریست
- ۳) مرا که دل ز هوای تو پر شده است چه غم
- ۴) به روز واقعه تابوت ما ز سرو کنید

- پشت و روی کار عالم هیچ‌گه دلخواه نیست
- که روزی پس از مرگ دشمن بزیت
- اگر بمیرم و از من شود جهان خالی
- که می‌روییم به داغ بلندبیلایی

۱۹۲۸- بیت «کدام دانه فرورفت در زمین که نرست؟ / چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟» با کدام گزینه تناسب مفهومی ندارد؟

- ۱) می‌کند هستی فانی تو را باقی، مرگ
- ۲) درین مزرع که دارد ریشه از ساز گرفتاری
- ۳) چو دانه‌ای که بمیرد هزار خوشه شود
- ۴) تو جان جان جانی از مرگ جسم مگریز

- تو چه از دولت جاوید گریزان شده‌ای؟
- اگر یک دانه افتد بر زمین، صد دام می‌خیزد
- شدم به فضل خدا صد هزار چون مُردم
- جان تو نیست فانی، مندیش ز ارتحالش (== سفر او)

۱۹۲۹- در همه گزینه‌ها، به استثنای گزینه ..... مفهوم دو آیه زیر آمده است.

«أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ، فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا»

- ۱) می‌کنیم از تریبانی دشمنان را مهربان
- ۲) با درشتان چرب‌نرمی کن که برمی‌آورد
- ۳) تو هم جنگ را باش چون کینه خاست
- ۴) آن چنان کز خشک‌مغزی دوست، دشمن می‌شود

- می‌کند شیرین، زمین شور را باران ما
- گل به همواری ز چنگ خار دامانی درست
- که با کینه‌ور مهربانی خطاست
- می‌توان کردن ملایم خصم را از خوی چرب



۱۹۳۰- در همه گزینیه‌ها، به استثنای گزینه ..... مضمون مشترک وجود دارد.

جای گل گل باش و جای خار خار  
هر که سنگت زند ثمر بخشش  
با مردم بی وفا وفا کن  
آینه، آب سبزه زنگار می‌دهد

(ریاضی ۱۴+)

همچو کان کریم زر بخشش  
چو بی جرم از کسی بد دیده باشی  
جز به نیکی جزای آن نکنی  
هر که زهرت دهد شکر بخشش

۱۹۳۲- کدام بیت با عبارت «همین حالت صلح و یگانگی با عشق و حقیقت، او را بردباری و تحمل عظیم بخشید.» تناسب بیشتری دارد؟

از صبر غنی شدم به سرمایه عشق  
تو یکی، نه‌ای هزاری تو چراغ خود برافروز  
خواهی که بار عشق کشی بردبار شو  
که کنند صلح با هم شب ما و روشنایی

۱۹۳۳- مفهوم بیت «اگر او به وعده گوید که دمی دگر بیایم / همه وعده مکر باشد بفریبد او شما را» با مفهوم کدام بیت تناسب بیشتری دارد؟

به احتیاط رو اکنون که آبگینه شکستی  
که مکر دلبران بسیار باشد  
نه چون بقای شکوفه است و عشق بازی بلبل  
دل بر امید وعده و جان در وفای توست

(تهری ۹۱)

زان که جمله چیزها، چیزی ز بی چیزی شده است  
نشیم تو نه این کنج محنت آباد است  
زین دو چرا نگذریم؟ منزل ما کبریاست  
دل از کجا و تماشای خاکدان ز کجا؟

(هنر ۹۸+)

باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست  
هر جا که می‌رود همه ملک خدای اوست  
یا روضه خلد است که رضوان من آن جاست  
جلوه‌ها در نظر مردم کنعان دارم  
سیرها در خویشان چون آسمان داریم ما

۱۹۳۶- مفهوم کدام بیت با مفهوم عبارت «یا عبدالکریم! حکایت نویسی مباح، چنان باش که از تو حکایت کنند» تناسب بیشتری دارد؟

ثبت است بر جریده عالم دوام ما  
که نامت به نیکی بماند مخلص (مخلص: جاویدان)  
بادام همان تلخ برون از شکر آید  
کار بد و نیک چو کوه و صداست

که آتش می‌زند در خشک و تر طرز نشید (= آواز) ما  
گل را چه غم از نعره مرغان سحرخیز؟  
که از سوز جگر خنیاگرستم (خنیاگر: آوازخوان)  
نوحه‌ای کز درد خیزد گریه بسیار آورد

۱۹۳۸- عبارت «در این میان با بی توجهی به ملامت و هیاهوی مردم خود را با سرودن غزل‌های گرم و پر سوز و گداز عاشقانه سرگرم می‌کرد.» با کدام گزینه تناسب مفهومی ندارد؟

غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را؟  
من باز نگیرم نظر از تیر و کمانت  
که عشق تا به چه حد است و حسن تا به چه غایت  
از طعنه دشمن به خدا گر خبرستم

۱) با بدان بد باش و با نیکان نکو  
۲) کم مباح از درخت سایه فکن  
۳) شادی ز میان غم برانگیز  
۴) روشندان ز خصم ندارند جان دریغ

۱۹۳۱- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

۱) هر که بخراشدت جگر به جفا  
۲) مکافات بدی کردن حلال است  
۳) گر کسی با تو بود کند زنه‌ار  
۴) با تو گویم که چیست غایت حلم

۱) آن روز که شیر خوردم از دایه عشق  
۲) تو مگو همه به جنگند و ز صلح من چه آید؟  
۳) هرگز نگشته جمع به هم عشق و سرکشی  
۴) تو ز روی مهربانی به میان مگر درآیی

۱) دلم شکستی و رفتی خلاف شرط مودت  
۲) به صد وعده نباشد عشق خرسند  
۳) وفا و عهد مودت میان اهل ارادت  
۴) مگذر ز ما که خاطر ما در قفای توست

۱۹۳۴- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

۱) گر بپوسم همچو دانه عاقبت نخلی شوم  
۲) که ای بلندنظر شاهباز سدره نشین  
۳) خود ز فلک برتریم وز ملک افزون‌تریم  
۴) چرا به عالم اصلی خویش وانروم؟

۱۹۳۵- بیت زیر، با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

«ما به فلک بوده‌ایم، یار ملک بوده‌ایم  
۱) او را مقام و منزل و مسکن چه حاجت است  
۲) منزلگه جان است که جانان من آن جاست  
۳) خیمه در مصر چو پیراهن یوسف زده‌ایم  
۴) چیست خاک تیره تا باشد تماشاگاه ما

۱۹۳۷- مفهوم کدام گزینه با سایر ابیات تفاوت دارد؟

۱) بیا گر مرد سوز و ساز عشقی ناله‌ای بشنو  
۲) «خواجو» چه کنی ناله و فریاد جگرسوز  
۳) به یک ناله بسوزم هر دو عالم  
۴) عالمی در گریه است از ناله جانسوز من

۱) سعدی از سرزنش غیر نترسد هیهات  
۲) گر خلق کنندم سپر تیر ملامت  
۳) ملامت من مسکین کسی کند که نداند  
۴) تا ذوق درونم خبری می‌دهد از دوست

- ۱) چه‌ها کشید دلم از خلاف وعده او
- ۲) نه حریف مهربان است حریف سست‌پیمان
- ۳) بنای مهر نمودی که پایدار نماند
- ۴) نه دست عهد گرفتی که پای وصل بدارم؟

- ۱) این مرگ که خلق لقمه اوست
- ۲) جامی چه بقا دارد، در رهگذر سنگی؟
- ۳) نه مرگ است این که عین زندگانی است
- ۴) مرگ آینه‌ست و حسنت در آینه درآمد

### آرایه‌های ادبی

- ۱) ز دین‌فروشی اهل ریا نفهمیدیم
- ۲) از می و مطرب مکن، مدعیای منع من
- ۳) گر تو چو شمع گشی، از تو نخواهم نشست
- ۴) دید میان دل و دیده که خون است، اشک

«آشنایان ره عشق در این بحر عمیق

- ۱) تناقض
- ۲) تناسب
- ۳) جناس
- ۴) ایهام تناسب

(پوارد همین المپیاد ادبی +)

غرقه گشتند و نگشتند به آب آلوده»

(دوز همین المپیاد ادبی)

- ۱) برآشفت ایران و برخاست گرد
- ۲) سپید شد چو درخت شکوفه‌دار سرم
- ۳) گر نبندی زمین سخن تو حلق را
- ۴) موج‌ها خوابیده‌اند آرام و رام

- ۱) دیشب به خواب دیدم دوشم به دوش تو
- ۲) یک سر موی تو گر زان که به صد جان عزیز
- ۳) چون لب لعل تو در چشم من آید چه عجب
- ۴) گهی که جان رود از چشم ناتوان بیرون

«آب آتش می‌برد خورشید شب‌پوش شما می‌رود آب حیات از چشمه نوش شما»

- ۱) واج‌آرایی - تشخیص
- ۲) استعاره - ایهام تناسب
- ۳) تلمیح - تضاد
- ۴) حس‌آمیزی - حسن تعلیل

«عشق زخت دولتی است باقی و باقی فنا

- ۱) تشبیه - تضاد - جناس همسان
- ۲) جناس ناهمسان - کنایه - تشخیص
- ۳) تضاد - جناس همسان - حسن تعلیل
- ۴) استعاره - تشبیه - تکرار

- الف) کس در جهان نبود مگر یار من ولیک
- ب) منم که در وطن خویشتن غریبم و زین
- ج) دل و جان وقف حریم حرم او کردیم
- د) تا چند به شادی می‌غم‌های تو نوشم

- ۱) هفت - سه
- ۲) پنج - دو
- ۳) چهار - دو
- ۴) شش - سه

«مقصد و مقصود دل، جز دهن تنگ او نیست دریغا که هست، مقصد دل ناپدید»

- ۱) جناس - تضاد - مجاز - تشخیص
- ۲) حسن تعلیل - کنایه - تکرار - واج‌آرایی
- ۳) پارادوکس - جناس - استعاره - تضاد
- ۴) تضاد - جناس - واج‌آرایی - اغراق

«کَلک حافظ شکرین میوه نباتی است، بچین

که در این باغ نبینی ثمری بهتر از این»

(۱) تشبیه - کنایه - مجاز - استعاره

(۲) مجاز - حس آمیزی - تشبیه - جناس

(۳) کنایه - مراعات نظیر - جناس - تشخیص

(۴) استعاره - مراعات نظیر - حس آمیزی - تشخیص

۱۹۵۰- یکی از آرایه‌های نوشته‌شده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) دل داده‌ام بر باد، بر هر چه بادا باد  
 (۲) هفتاد پشت ما از نسل غم بودند  
 (۳) ای عشق از آتش، اصل و نسب داری  
 (۴) هر قصر بی‌شیرین، چون بیستون ویران

۱۹۵۱- آرایه نوشته‌شده در مقابل کدام گزینه درست است؟

- (۱) ای لبت باده‌فروش و دل من باده‌پرست  
 (۲) آن‌چنان در دل تنگم زده‌ای خیمه انس  
 (۳) تو مپندار که از خود خبرم هست که نیست  
 (۴) کار یاقوت تو تا باده‌فروشی باشد

- مجنون‌تر از لیلی، شیرین‌تر از فرهاد (جناس همسان - تلمیح)  
 ارث پدر ما را، انسدوده مادرزاد (ایهام - تشخیص)  
 از تیره (= نژاد) دودی، از دودمان باد (استعاره - واج‌آرایی)  
 هر کوه بی‌فرهاد، گاهی به دست باد (تضاد - تشبیه)

- جانم از جام می عشق تو دیوانه و مست (ایهام)  
 که کسی را نبود جز تو در او جای نشست (تشخیص)  
 یا دلم بسته بند کمرت نیست که هست (متناقض‌نما)  
 نتوان گفت به «خواجو» که مشو باده‌پرست (استعاره)

(تاریخ از کشور، ۸۷)

۱۹۵۲- در کدام بیت همه آرایه‌های «مراعات نظیر، استعاره، تشخیص و جناس» به کار رفته است؟

- (۱) آن که ندیده حسرتی در همه عمر خویشتن  
 (۲) آن که به تیغ امتحان، ریخت به خاک خون من  
 (۳) غنچه نوش‌خند او سوخت به یک تبسم  
 (۴) خاک رهی گزیده‌ام، تا چه بزاید آسمان

- کی به شمار آورد حسرت بی‌شماره‌ام؟  
 کاش برای سوختن، زنده کند دوباره‌ام  
 نرگس نیم‌مست او گشت به یک اشاره‌ام  
 جیب مهی گرفته‌ام، تا چه کند ستاره‌ام

۱۹۵۳- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- «ای چو دژه در بر آن روی زیبا، آفتاب  
 (۱) جناس - حسن تعلیل - تشبیه - کنایه  
 (۲) تشبیه - تضاد - حس آمیزی - جناس  
 (۳) اغراق - جناس - تشخیص - تشبیه  
 (۴) تضاد - اغراق - تشبیه - جناس

- از حجاب سایه زلف تو، پیدا آفتاب  
 (۲) تشبیه - تضاد - حس آمیزی - جناس  
 (۴) تضاد - اغراق - تشبیه - جناس

۱۹۵۴- اگر ابیات زیر را به ترتیب «استعاره، تلمیح، ایهام، حسن تعلیل و حس آمیزی» مرتب کنیم، گزینه ..... درست است.

- الف) ز شور زلف تو دوشم شبی دراز گذشت  
 ب) زیر لب با ما حدیثی گو، که این بیمار را  
 ج) در صفات عارضت، تا نقش می‌بندد خیال  
 د) سرچشمه حیوان به دهان تو تشبیه  
 ه) سرو دید آن قد و رعنايي، از آن بالا گرفت
- اگرچه زلف سیاهت زیادت از دوش است  
 مدتی شد کارزوی شربتی زان شکر است  
 کس سخن نازک‌تر و رنگین‌تر از «سلمان» نگفت  
 کرد از نظر مردم از آن روی نهران شد  
 در چمن‌ها لاجرم کارش از آن بالا گرفت
- (۱) ه - د - الف - ج - ب  
 (۲) ب - ه - الف - د - ج  
 (۳) ب - د - الف - ه - ج  
 (۴) ب - د - ج - ه - الف

### دو نوزبان فارسی

۱۹۵۵- همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... نقش تبعی «معطوف» دارند.

- (۱) مهتران در سخن آمدند و زمانی نومیدی نمودند از امیر و از استیلای این دو سپاه‌سالار.  
 (۲) امیر گفت: «بدین مقدار شغل زشت و مُحال باشد تو را رفتن، که به خراسان فتنه است از چند گونه.»  
 (۳) خواجه بدو نامه فرموده بود که: «قاضی شیراز چنین و چنین نبشت و جواب چنین و چنین رفت.»  
 (۴) این بزرگان چون نان بخوردند، برخاستند و به دیوان بازآمدند و بنشستند و دست بشستند.

(زبان، ۸۹)

۱۹۵۶- در کدام عبارت «نقش تبعی» وجود ندارد؟

- (۱) نثر داستانی اکنون مهم‌ترین نوع ادبی اروپا و مهم‌ترین نوع ادبی جهان امروز است و خود اقسامی دارد.  
 (۲) در نگاه نخست، طنز، برای شوخی و خنده است، ولی بعد روشن می‌شود که طنزنویس از نارسایی‌ها و ناروایی‌های جامعه رنج می‌برد.  
 (۳) شعر انسانی به مسائل وطن‌پرستی، بشردوستی، مخالفت با استعمار و تسلط بیگانگان، محبت به فرزندان و خانواده و آزادی‌خواهی می‌پردازد.  
 (۴) نکته مهمی که لزوم اخلاق جدید را مطرح می‌سازد، این است که اخلاق از بنیادهای اجتماعی است و دارای تمام خصوصیات این بنیادهاست.

۱۹۵۷- تعداد «معطوف»‌های کدام عبارت بیشتر است؟

- (۱) آزار و انکار مخالفان سبب شد که او نیز در طلب یار همدل و همدم خود، عازم دمشق شود.  
 (۲) کوشش و جست‌وجوی مولانا به جایی نرسید و شمس را نیافت.  
 (۳) عزم کرد که دیگر بدان شهر پرغوغا بازنیاید و جایی برود که از او خبری نشنوند و رفت.  
 (۴) مریدان از تعطیل‌شدن مجالس درس، به خشم آمدند و مولانا را دیوانه و شمس را جادوگر خواندند.

۱۹۵۸- در عبارت «چون شمس را دید، نشان‌هایی از لطف الهی را در او یافت و دانست که او همان پیر و مرشدی است که سال‌ها در جست‌وجویش بود؛ از این رو، به شمس روی آورد و با او به صحبت و خلوت نشست و در خانه بر آشنا و بیگانه بست و تدریس و وعظ را رها کرد.» کدام واژه‌ها به ترتیب «معطوف به مسند» و «معطوف به مفعول» هستند؟

۱) پیر - تدریس      ۲) خلوت - وعظ      ۳) مرشد - تدریس      ۴) مرشد - وعظ

۱۹۵۹- در همة ابیات، واژه‌هایی که به یکدیگر عطف شده‌اند به درستی مشخص شده‌اند؛ به جز .....

۱) یار من باش که زیب فلک و زینت دهر  
 ۲) دگر ز منزل جانان سفر مکن درویش  
 ۳) طریق عشق پرآشوب و فتنه است ای دل  
 ۴) با لبی و صد هزاران خنده آمد گل به باغ

از مه روی تو و اشک چو پروین من است  
 که سیر معنوی و کنج خانقاهت بس  
 بیفتد آن که در این راه با شتاب رود  
 از کریمی گویا در گوشه‌ای بویی شنید

۱۹۶۰- در کدام بیت‌ها بخش‌های مشخص شده به هم عطف نشده است؟

الف) ز آب روان و سبزه و صحرا و لاله‌زار  
 ب) از دامن تر تو و هم‌صحبتان توست  
 ج) پیر بودم ز جفای فلک و جور زمان  
 د) صائب کسی که سر به گریبان خود کشید  
 ه) به چشم عقل در این رهگذار پرآشوب

با من مگو که چشم در احباب خوش‌تر است  
 آینه‌های چرخ که زنگار بسته‌اند  
 باز پیرانه‌سرم عشق جوان باز آمد  
 ناز بهشت و منت رضوان نمی‌کشد  
 جهان و کار جهان بی‌ثبات و بی‌محل است

۱) ب - د - ه      ۲) الف - ج - ه      ۳) الف - ج - د      ۴) ب - ج - د

۱۹۶۱- در کدام بیت نقش تبعی «تکرار» دیده نمی‌شود؟

۱) دلم گرفته ای دوست! هوای گریه با من  
 ۲) کجا روم که راهی به گلشنی ندارم  
 ۳) نه بسته‌ام به کس دل، نه بسته دل به من کس  
 ۴) ز من هر آن که او دور، چو دل به سینه نزدیک

گر از قفس گریزم، کجا روم، کجا من؟  
 که دیده برگشودم به کنج تنگنا من  
 چو تخته‌پاره بر موج، رها رها رها من  
 به من هر آن که نزدیک، از او جدا جدا من

۱۹۶۲- در کدام بیت نقش تبعی «تکرار» وجود دارد؟

۱) آن روزگار کو که مرا یار یار بود  
 ۲) پرتو مهرست یا مهر رخ زیبای یار  
 ۳) می‌رفت و دل شکسته از پی  
 ۴) مزن چندین جراحی بر دل تنگ

من برکنار از غم و او در کنار بود  
 قامت سرو است یا سرو قد رعناي دوست  
 نالان نالان طپیده می‌رفت  
 دل است این، دل، نه پولاد است و نه سنگ

۱۹۶۳- در کدام بیت نقش تبعی «تکرار» وجود ندارد؟

۱) نرم شد نرم چرخ تیز و درشت  
 ۲) در صدف جان ذری نیست به جز دوست دوست  
 ۳) غمخوار توام غمان من من دانم  
 ۴) نصیحت بین که آن هندو چه فرمود

رام شد رام دهر تند و حَرون (سرکش)  
 آن که دل از عشق او زنده بود اوست اوست  
 خونخوار منی زیان من من دانم  
 که چون مالی بیابی زود خور زود

۱۹۶۴- در گزینه ..... نقش تبعی «بدل» دیده می‌شود.

۱) هنگامی که بهاء ولد، مناسک حج را به پایان برد، در بازگشت، به طرف شام روانه گردید.  
 ۲) پادشاه سلجوقی روم، علاءالدین کیقباد از مقامات او آگاهی یافت، طالب دیدار وی گردید.  
 ۳) جلال‌الدین، در هجده‌سالگی به فرمان پدر با «گوهرخاتون» سمرقندی ازدواج کرد.  
 ۴) پس از درگذشت بهاء‌الدین، جلال‌الدین محمد به اصرار مریدان و شاگردان پدر، مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت.

۱۹۶۵- در کدام عبارت، نقش تبعی «بدل» به کار نرفته است؟

۱) ناگهان آفتاب عشق و شمس حقیقت در برابرش نمایان شد؛ او شمس‌الدین تبریزی بود.  
 ۲) سلطان ولد، فرزند مولانا، هر دم بی‌تابانه به بالین پدر می‌آمد و باز از اتاق بیرون می‌رفت.  
 ۳) خواجه عبدالکریم، خادم خاص شیخ ما، ابوسعید بود.  
 ۴) پدر جلال‌الدین، محمّدبن حسین خطیبی، معروف به بهاء‌الدین ولد از دانشمندان روزگار خود بود.

۱۹۶۶- با توجه به بیت زیر، کدام موارد کاملاً درست است؟

«گیرند مردم دوستان، نامهربان و مهربان  
 الف) در بیت دو «واو» عطف وجود دارد.  
 ج) در بیت یک نقش تبعی یافت می‌شود.  
 ب) یک مسند در بیت وجود دارد.  
 د) در بیت یک صفت مبهم به چشم می‌خورد.

۱) الف - ب      ۲) الف - ج      ۳) ب - د      ۴) ج - د

۱۹۶۷- در کدام بیت «نقش تبعی» یافت می‌شود؟

- ۱) حال چوگان، چون نمی‌دانی که چیست
- ۲) تو خود وصال دگر بودی ای نسیم وصال
- ۳) حریف، عهد مودت شکست و من نشکستم
- ۴) با پری‌رویوان به خلوت روی در روی آوری

(فارج از کشور، ۹۵)

۱۹۶۸- در کدام عبارت، مضاف‌الیه دارای «بدل» است؟

- ۱) ویلیام بلیک شاعر و نقاش رومانتیک می‌گوید: «آن‌جا که شادی نباشد، انسان نیست.»
- ۲) عاقبت، یکشنبه، پنجم جمادی‌الآخر سال ۶۷۲ هجری قمری، خورشید عمر مولانا نیز از این جهان به جهان آخرت سفر کرد.
- ۳) سعدی‌نامه یا بوستان اثر ارجمند شاعر و نویسنده ایرانی، سعدی شیرازی است.
- ۴) این شیخ همیشه شاب، پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی، هم هیبت یک آموزگار را دارد و هم مهر یک پرستار.

(زبان، ۹۳)

۱۹۶۹- نقش «تبعی» در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها تفاوت دارد؟

- ۱) امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید و تر و تباه شده بود و برنشست.
- ۲) گفت: بونصر را بگویی که امروز درستم و در این دو سه روز، بار داده آید که علت و تب تمامی زایل شد.
- ۳) این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط، قلم در نهاد تا نزدیک نماز پیشین از این مهمات فارغ شده بود.
- ۴) امیر را یافتم آن‌جا بر زَبر تخت نشسته، مخنقه در گردن، عقدی همه کافور و بوالعلائی طیب آن‌جا نشسته بود.

۱۹۷۰- در متن زیر، چند نقش «تبعی» وجود دارد؟

«جان لوئیزی بوفون، دروازه‌بان و کاپیتان تیم ملی ایتالیا و یوونتوس در ۱۴ نوامبر ۲۰۱۷ پس از حذف مقابل تیم ملی سوئد و جاماندن ایتالیا از جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه، با چشمانی گریان، از فوتبال ملی خداحافظی کرد.»

- ۱) یک      ۲) دو      ۳) سه      ۴) چهار

۱۹۷۱- کدام نقش‌های «تبعی» در متن زیر یافت می‌شود؟

«در کویر بیرون از دیوار خانه، پشت حصار ده، دیگر هیچ نیست. صحرای بی‌کرانهٔ عدم است؛ خوابگاه مرگ و جولانگاه هول. راه، تنها به سوی آسمان باز است. آسمان، کشور سبز آرزوها، چشمهٔ موج و زلال نوازش‌ها، امیدها و انتظار! انتظار.»

- ۱) بدل - تکرار      ۲) معطوف - بدل      ۳) معطوف - تکرار      ۴) تکرار - بدل - معطوف

۱۹۷۲- کدام بیت فاقد نقش تبعی «بدل» است؟

- ۱) ساقیا سایهٔ ابر است و بهار و لب جوی
- ۲) بعید نیست که گر تو به عهد بازایی
- ۳) گرچه من بنده ندارم خدمتی از فضل خویش
- ۴) صد هزاران دل اسیر غمزه‌اش

(ریاضی، ۹۳)

۱۹۷۳- در کدام بیت «نقش تبعی» یافت نمی‌شود؟

- ۱) تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین‌کار
- ۲) امروز چنان بزی که فردا چو روی
- ۳) مشنو ای دوست که غیر از تو مرا یاری هست
- ۴) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست

(هنر، ۹۵)

۱۹۷۴- کدام بیت فاقد «نقش تبعی» است؟

- ۱) لاف زخم لاف که تو راست کنی لاف مرا
- ۲) شباش زهی نوری بر کوری هر کوری
- ۳) آسمان خود کنون ز من خیره است
- ۴) بر زمین و چرخ روید مر تو را یاران صاف

(ریاضی، ۹۶)

۱۹۷۵- در کدام سروده دو نوع «نقش تبعی» وجود دارد؟

- ۱) عاشقم، عاشق ستارهٔ صبح / عاشق ابرهای سرگردان
- ۲) آتش زخم به خرمن امیدت / با شعله‌های حسرت و ناکامی
- ۳) ای مرغ دل که خسته و بی‌تابی / دمساز باش با غم او دمساز
- ۴) اکنون منم که در دل این خلوت و سکوت / ای شهر پرخروش، تو را یاد می‌کنم

۱۹۷۶- در بيت گزینه ..... دو نوع «نقش تبعی» متفاوت یافت می‌شود.

- |  |                                      |
|--|--------------------------------------|
| ۱) ما همچو غنچه یکدل و یکروی مانده‌ایم | با ما چرا چو لاله دورنگ و دورو شدی؟  |
| ۲) ز بس نشستم و با شب حدیث غم گفتم     | ز غصه رنگ من و رنگ شب پرید، بیا      |
| ۳) ز عمر، سهم بیشتر ریا نکرده شد به سر | بدین که مانده مختصر دگر چرا ریا کنم؟ |
| ۴) مـخـواه از عاشق و دیوانه خدمت       | که او خود سوخت از درد محبت           |

۱۹۷۷- تعداد نقش‌های «تبعی» در کدام بیت بیشتر است؟

- |  |                                       |
|--|---------------------------------------|
| ۱) عشق دردانه است و من غواص و دریا میکند | سر فرو بردم در آن‌جا تا کجا سر برکنم  |
| ۲) من کز همه حال و کارش آگاهم            | هرگز طلبم مراد و کامش را؟             |
| ۳) بلی توقع من بنده خود همین بوده است    | چه در قدیم و حدیث و چه در قلیل و کثیر |
| ۴) یا رب دوام عمر دهش تا به قهر و لطف    | بدخواه را جزا دهد و نیکخواه را        |

۱۹۷۸- چه تعداد از ترکیب‌های زیر «ترکیب اضافی» هستند؟

«ریشه ظلم - اظهار لطف - اطاق جلویی - فهرست اسم‌ها - نگاه گیرا - چهره سرباز - پیشگاه امپراتور - هنگام استراحت - حرارت بسیار - رمز عبور - تحولات داخلی»

- |        |       |        |        |
|--------|-------|--------|--------|
| ۱) پنج | ۲) شش | ۳) هفت | ۴) هشت |
|--------|-------|--------|--------|

۱۹۷۹- در عبارت «تاریخ‌نویس نباید تابع علایق خوانندگانی باشد که برای توضیح وضعیت تاریخی خود، اثر تاریخی می‌خوانند.» چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

- |       |         |        |       |
|-------|---------|--------|-------|
| ۱) سه | ۲) چهار | ۳) پنج | ۴) شش |
|-------|---------|--------|-------|

۱۹۸۰- در کدام گزینه «مضاف» نقش «مفعولی» دارد؟

- ۱) در همین آن، صدای تیری شنیده شد و گلوله‌ای به بازوی راست گیلهمرد اصابت کرد.
- ۲) نفیر باد نعره‌های عجیبی را از قعر جنگل به سوی کومه همراه داشت.
- ۳) در همین لحظه کبریت آتش گرفت و نور زردرنگ آن، قیافه گیلهمرد را روشن کرد.
- ۴) باران می‌بارید. افق روشن می‌شد و ابرهای تیره کم‌کم باز می‌شدند.

(انسانی ۹۹)

۱۹۸۱- «ترکیب‌های اضافی» در کدام بیت، بیشتر است؟

- |   |                                      |
|---|--------------------------------------|
| ۱) شعر حافظ در زمان آدم اندر باغ خُلد     | دفتر نسرین و گل را زینت اوراق بود    |
| ۲) از دم صبح ازل تا آخر شام ابد           | دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود |
| ۳) رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار       | دستم اندر ساعد ساقی سیمین‌ساق بود    |
| ۴) حسن مه‌رویان مجلس گرچه دل می‌برد و دین | بحث ما در لطف طبع و خوبی اخلاق بود   |

۱۹۸۲- کدام عبارت‌ها، از نظر تعداد «ترکیب‌های اضافی»، دوبه‌دو برابر هستند؟

- الف) شمس از مردم تبریز بود و خاندان وی هم اهل تبریز بودند.
- ب) یاران مولانا هم که پژمردگی و دل‌تنگی او را در غیبت شمس دیده بودند، از کردار خود پشیمان شدند.
- ج) روزها به شغل تدریس می‌گذرانید و شاگردان و پیروان بسیاری از حضورش بهره می‌بردند و مردم روزگار بر تقوا و زهد او متفق بودند.
- د) دیار روم از تاخت‌وتاز سپاه مغول برکنار بود و پادشاهی دانا و صاحب‌بصیرت و عالم‌پرور و محیطی آرام و آزاد داشت.
- ه) او برای کسب علوم و معارف، بسیار مسافرت کرد و از مشایخ فراوانی بهره برد.

- |                        |                        |                        |                        |
|------------------------|------------------------|------------------------|------------------------|
| ۱) (الف - ه) - (ج - د) | ۲) (الف - ه) - (ب - ج) | ۳) (الف - د) - (ب - ج) | ۴) (ب - د) - (الف - ج) |
|------------------------|------------------------|------------------------|------------------------|

۱۹۸۳- در عبارت «یکی از علل واپسماندگی صنعتی کشورهای کم‌رشد این واقعیت است که طبقات مالک بومی ترجیح می‌دهند پول‌های خود را در اموال غیرمنقول، بازرگانی یا معاملات سوداگرانه سرمایه‌گذاری کنند تا این‌که به ساختمان صنعت مدرن بپردازند.» به ترتیب چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

- |              |               |             |            |
|--------------|---------------|-------------|------------|
| ۱) هفت - پنج | ۲) هشت - چهار | ۳) شش - هفت | ۴) نه - شش |
|--------------|---------------|-------------|------------|

۱۹۸۴- نقش ضمیر متصل در کدام گزینه نادرست نوشته شده است؟

- |                                      |   |
|--------------------------------------|---|
| ۱) وصال دوست به جان گر میسرت گردد    | بخر که دیر به دست اوفتد چنین ارزان (متمم) |
| ۲) هشدار تا نیفکندت پیروی نفس        | در ورطه‌ای که سود ندارد شناوری (مفعول)    |
| ۳) من آن بدیع‌صفت را به ترک چون گویم | که دل ببرد به چوگان زلف چون گویم (مفعول)  |
| ۴) ساقی بیا که هاتف غیبم به مژده گفت | با درد صبر کن که دوا می‌فرستمت (متمم)     |

۱۹۸۵- با توجه به بیت «فتنه کنیم بر خود پنهان شوی از چشمم / چون فتنه برانگیزی از فتنه چه پرهیزی» کدام گزینه نادرست است؟

- |   |  |
|---|--|
| ۱) نقش اولین ضمیر متصل، مضاف‌الیه است.        | ۲) بیت فاقد نقش تبعی است.                      |
| ۳) در بیت فقط یک وابسته پسین به کار رفته است. | ۴) نقش کلمات مشخص شده به ترتیب مسند و قید است. |



«بختم به سودای تنت، ره می‌زند سوی منت تا آورد در گردنت، دستی که بر سر می‌زند»

- (۱) تن - من (۲) سودا - ره (۳) تن - ره (۴) سودا - من

تاریخ ادبیات

۱۹۸۷- کتاب «زندگانی جلال‌الدین محمد مشهور به مولوی» اثر کیست؟

- (۱) بدیع‌الزمان فروزانفر (۲) لطفعلی صورتگر (۳) عبدالحسین وجدانی (۴) مجید واعظی

۱۹۸۸- محمّدبن منوّر خالق کدام یک از آثار زیر است؟

- (۱) تاریخ بیهقی (۲) تحفة الاحرار (۳) بهارستان (۴) اسرارالتوحید

۱۹۸۹- محمّدبن حسین خطیبی نام کدام یک از عرفای زیر است؟

- (۱) بهاء ولد (۲) شمس (۳) سلطان ولد (۴) مولوی

۱۹۹۰- جلال‌الدین محمد مولوی در هنگام خردسالی با کدام عارف دیدار کرد و او کدام کتاب را به جلال‌الدین هدیه داد؟

- (۱) سعدی - گلستان (۲) عراقی - الهی‌نامه (۳) سنایی - الهی‌نامه (۴) عطار - اسرارنامه

۱۹۹۱- جلال‌الدین محمد مولوی در قرن ..... در شهر ..... به دنیا آمد.

- (۱) هشتم - سمرقند (۲) هشتم - بخارا (۳) هفتم - بلخ (۴) هفتم - قونیه

۱۹۹۲- کدام پادشاه از بهاء‌الدین ولد، پدر مولانا خواست تا در قونیه اقامت کند؟

- (۱) سلطان مسعود (۲) محمد خوارزمشاه (۳) علاء‌الدین کیکباد (۴) جلال‌الدین منکبرنی

۱۹۹۳- «پرنده» لقب کدام عارف ایرانی بوده است؟

- (۱) مولانا جلال‌الدین (۲) شمس‌الدین تبریزی (۳) بهاء‌الدین ولد (۴) سلطان ولد

۱۹۹۴- با توجه به زندگی‌نامه مولانا، کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) از شاعران و عارفان هم‌روزگار مولانا می‌توان به سعدی و فخرالدین عراقی اشاره کرد.  
 (۲) پدر جلال‌الدین، محمّدبن حسین خطیبی معروف به بهاء‌الدین ولد از دانشمندان روزگار خود بود.  
 (۳) دیدار شمس و مولانا در سال ۶۴۲ هجری قمری اتفاق افتاد، یعنی در ۳۸ سالگی مولانا.  
 (۴) صلاح‌الدین زرکوب از مولانا درخواست کرد کتابی [برای هدایت مریدان] به طرز بوستان سعدی به نظم درآورد.

۱۹۹۵- نام آثار «سنایی، عطار» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) لیلی و مجنون - الهی‌نامه (۲) اسرارنامه - الهی‌نامه (۳) تذکرة الاولیا - منطق‌الطیر (۴) الهی‌نامه - منطق‌الطیر

موی ۱۹۹۶- اگر دو بیت زیر، ابیات آغازین یک قطعه شعر باشد، با توجه به درون‌مایه، قالب و وزن آن، این دو بیت از کتاب ..... سروده شده است.

«بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

ای آفتاب حُسن، برون آ دمی ز ابر کان چهره مُشعشع تابانم آرزوست»

- (۱) لیلی و مجنون - نظامی (۲) مثنوی معنوی - مولوی

- (۳) غزلیات شمس - مولوی (۴) فرهاد و شیرین - وحشی بافقی

موی ۱۹۹۷- پدیدآورندگان آثار «تذکرة الاولیا - مرصادالعباد - تحفة الاحرار» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) جامی - سنایی - وحشی بافقی (۲) خواجه عبدالله انصاری - نجم رازی - جامی

- (۳) عطار - نجم رازی - جامی (۴) سنایی - عطار - محمّدبن منوّر

موی ۱۹۹۸- نویسنده یا سراینده چند مورد از آثار زیر درست نیست؟

(بوستان: سعدی) - (فرهاد و شیرین: نظامی) - (تحفة الاحرار: اوحدی) - (اسرارنامه: عطار) - (الهی‌نامه: سنایی) - (منطق‌الطیر: جامی)

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار